

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۱، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۸۴ تا ۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

بررسی موارد عدم ثبوت قصاص در حقوق جزایی ایران

| پویا فتح‌الله‌زاده* | کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد مرکز اردبیل.

چکیده

جنایت قتل به عنوان یکی از جرایم علیه تمامیت جسمانی انسان، بزرگترین جرم از نظر آثار است. در تمامی نظام‌های حقوقی برای این جرم چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی اشد مجازات در نظر گرفته شده است. در مقام تبیین موانع اجرای قصاص و کاربرد عملی آنها و نیز تفکیک این موانع از موانع ثبوت قصاص و موجبات سقوط آن است. بر اساس این تحقیق، موانع اجرای قصاص در حقوق کیفری ایران دو دسته اند. دسته اول موانعی هستند که اجرای قصاص را برای همیشه و یا برای مدتی نامعلوم به تأخیر می‌اندازند که در این حالت، صاحب حق می‌تواند مطالبه دیه کند و اگر شرایط اجرای قصاص فراهم شود، با اعاده دیه، قصاص را اجرا کند. اما دسته دوم موانعی هستند که اجرای قصاص را به تأخیر می‌اندازند که در این حالت، صاحب حق قصاص مجاز به مطالبه دیه نیست و در صورت رفع مانع، قصاص اجرا خواهد شد که از جمله این موانع می‌توان به حاملگی جانی و نیز بیماری موقت وی اشاره نمود. نتیجه اصلی تحقیق حاضر این است که مطابق ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی، باید بین مواردی که قصاص در آنها جایز نیست و مواردی که قصاص امکان ندارد تفاوت قائل شد و لذا مواردی مانند مرگ جانی، فرار او و نیز از بین رفتن محل قصاص عضو و نیز مواردی مانند ارتکاب جنایت توسط یکی از دوقلوهای به هم چسبیده، نه از جمله موجبات سقوط قصاص بلکه از زمره موانع اجرای قصاص هستند و لذا در صورت فراهم شدن امکان اجرای قصاص، صاحب حق می‌تواند حق خود را اعمال نماید؛ برخلاف موجبات سقوط قصاص که قصاص را برای همیشه از بین خواهند برد. این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی به موانع قصاص در حقوق ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی: علل موجهه جرم، حدود، زنا، قصاص.

* نویسنده مسئول: pooyafathollahzade79125@gmail.com

مقدمه

ارتکاب جرم همواره با واکنشی علیه مجرم یا قربانی همراه بوده است. در مقطعی از تاریخ، عدالت خصوصی حاکم است که ویژگی آن مسئولیت جمعی است. در این دوره فردی شخصیت مستقلی از جامعه نداشت و در صورت ارتکاب جرم نه تنها او بلکه خانواده و طایفه و قبیله اش مجازات می‌شدند. در ماجرای جنایات خود را تشنه به خون نشان می‌دادند و چه بسا در این نوع واکنش افراد زیادی مانند جانی مورد هدف قرار گرفته و تاوان جنایت زندگی را پرداختند. با گذشت زمان، دوره تعدیل نسبی عدالت خصوصی فرا رسید. این دوره مصادف با تشکیل اولیه حکومت‌هایی بود که در آن انتقام به عنوان مجازاتی مستقل برای فردی که می‌میرد در نظر گرفته می‌شد و مسئولیت اعمال خود را بر عهده می‌گرفت. اسلام برای تهذیب نسل و تأمین مصالح عمومی جامعه برای اعمال خلاف شرع مجازات تعیین کرده است. در چنین نظامی، اگر افراد جامعه ملزم به التزام به احکام الهی باشند، این تبعیت، رفاه و سلامت کل جامعه و امنیت آنها را تأمین می‌کند. این امر جز با برخورد با قانون شکنان و اعمال مجازات‌های مناسب محقق نمی‌شود. در برخی از قتل‌ها، مرتکب قتل، علیرغم اینکه عمل او عمدی بوده است، مستحق قصاص نیست، زیرا اثبات و اعمال قصاص نفس بر قاتل، مستلزم شرایطی است که در صورت عدم تحقق، قاتل را می‌توان از آن رهایی بخشید. مجازات قصاص نفس و منتظر عواقب دیگر عمل خود باشد. با بررسی منابع فقهی این مساله روشن می‌شود که مواردی از این موانع با اشکالاتی جدی رو به رو هستند. مؤلف با عنایت به آراء موجود در منابع معتبر فقهی و در مواردی مخالفت و نیز با در نظر گرفتن یافته‌های سایر علوم که آن‌ها نیز متأثر و الهام گرفته از مقررات جدید حقوقی است، از آنها دفاع کرده است، با دیدی نوآورانه موضوعات را بررسی کرده است.

در شرع مقدس اسلام و قوانین فعلی حکم اولیه قتل عمد قصاص نفس می‌باشد اما در موارد معین شده شرعی حکم اولیه قصاص اجرا نمی‌شود. این موارد معین شده شرعی که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ با عنوان موانع قصاص آورده شده است. در مورد مبحث موانع پژوهش‌های بسیاری و قابل توجهی صورت گرفته است لیکن پیرامون موضوع مورد نظر ما نیز پژوهش‌های پراکنده و نامنسجمی انجام گرفته که علاوه بر نقای شکلی دارای نقای محتوایی می‌باشد.

مبانی نظری

تعریف لغوی قصاص

از نظر لغوی، تعاریف مختلفی از واژه قصاص در فرهنگ‌های لغت فارسی آمده است، اما آنچه که در همه تعاریف متداول است، «پیروی از چیزی» است. به برخی از این تعاریف اشاره می‌کنیم. یکی از لغت نویسان قصص به معنای «بازگرفتن آنچه دادی، کشتن قاتل، کینه ورزی چون انتقام، پس کشتن و جراحت دادن در برابر جراحت و گرفتن چیزی برای چیزی» آورده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۵۲۳). در لغت نامه معین نیز قصاص به مجازات و کیفری هم سنگ جرم تعبیر شده است (معین، ۱۳۸۱: ۷۱۱). در فرهنگ عمید واژه قصاص بدین صورت تعریف شده است: سزا

دادن بر گناه و کار بد برابر آنچه که مرتکب شده، کشنده کسی را کشتن، جزا، مکافات، مجازات قاتل یا ضارب (عمید، ۱۳۸۹: ۱۴۶). همانطور که ملاحظه می‌کنید نقطه مشترک تعاریف مذکور «رفتن به دنبال اثر چیزی» است. اولیای دم یا اولیای دم نیز تقاضای قصاص می‌کنند و سعی می‌کنند اثر جنایت شخص مجرم را دنبال کنند.

تعریف فقهی قصاص

قصاص، مجازات مجرمی است که نسبت به دیگری جنایت کرده است. قصاص در اصل به معنای پیروی از عمل دیگری است، منتقم نیز از عمل جانی پیروی می‌کند و مانند عمل او عمل می‌کند (نوری، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

صاحب جواهر نیز قصاص را چنین تعریف کرده است: «القصاصُ بالكسرِ فعالٌ من قَصَّ اثره اذا تبعه والمراد هنا استيفات اثر الجنایه من قتلٍ أو قطعٍ أو ضربٍ أو جرحٍ: فكان المقتصُّ يتبع أثر الجانی فيفعلُ مثل عملِهِ» (نجفی، ۱۳۶۲: ۷). یعنی قصاص به معنای اطاعت و تبعیت از اثر عمل است و در اینجا به معنای ارضای اثر جنایت اعم از قتل و بریدن و جراحت است و لذا منتقم به دنبال اثر کار شخص است و عملی را انجام می‌دهد. عمل مشابه عمل او.

تعریف اصطلاحی قصاص

قصاص اصطلاحاً کیفری است که به حکم قانون و بوسیله مجنی علیه یا اولیای قانونی او علیه مجرم بکار می‌رود و باید حدودی که قانون معین می‌کند نظیر جرمی باشد که از طرف مجرم صورت گرفته است پس باید جرم و مجازات شبیه هم باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۵۴۵).

انواع قصاص

مجازات‌ها بسته به نوع جرم و جنایتی که رخ می‌دهد متفاوت است. در جرائمی که بر سلامت جسمانی افراد تأثیر می‌گذارد نیز این تفاوت وجود دارد به گونه ای که گاه جرایم منجر به سلب جان دیگری می‌شود و در این موارد با مجازات قصاص نفس مواجه می‌شوند. قبض جان و جان، اما مواردی از جنایاتی وجود دارد که منجر به سلب جان مرتکب یا قربانی شده و تمامیت جسمانی وی جراحت یا ضرب و شتم یا آسیب می‌بیند. در مورد انتقام، با دو مقوله مجزا یعنی قصاص خود و قصاص اعضا سروکار داریم، ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص مجازات قتل عمدی مقرر داشته است: «مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد». ماده ۹۱۹ نیز مقرر داشته است: «مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد که ماده ۳۸۷ نیز در تکمیل این ماده بیان داشته: «جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است».

تاریخچه قصاص

برای شناخت بیشتر و بهتر هر پدیده‌ای به بررسی پیشینه تاریخی آن کمک می‌کند. در این راستا هم قوانین مربوط به قصاص را که مربوط به دوران باستان است و هم سیر تحول و تاریخ تشریحی مجازات قصاص را در حقوق کیفری ایران بررسی می‌کنیم. با بررسی کتب تاریخی مشخص می‌شود که انتقام یک پدیده قدیمی است که حتی در دوران باستان نیز نشانه‌هایی از آن دیده می‌شود. در همین راستا به دنبال بررسی این پدیده تاریخی در دوران باستان نیز هستیم.

یکی از ارزشمندترین منابع تاریخی دوره بابلی مجموعه قوانین حمورابی است که پس از کاوش‌های باستان‌شناسی گروهی فرانسوی در شوش کشف شد. پس از کشف این مجموعه مشخص شد که برخلاف نظر علمای حقوق که تنها قوانین یونان و روم باستان را قدیمی‌ترین اسناد مکتوب از دوران باستان می‌دانستند، قوانین دیگری از جمله مجموعه قوانین حمورابی وجود داشته است (سلیمانی و رضایی راد، ۱۳۹۲: ۳۵).

به گفته یکی از مورخین خارجی این مجموعه مشتمل ۲۸۳ است که تقریباً ۹۱ ماده آن محو گردیده و از آنها جز اطلاعاتی ناقص در دست نیست. متن این قانون، از سه قسمت تشکیل شده است: مقدمه؛ مجموعه قوانین در سه هزار و ششصد سطر و مؤخره که به صورت ادبی و مسجع و عمدتاً به انشایی کهن بر این ستون نگاشته شده است (تثوفیل، ۱۳۷۳: ۱۵-۲۰).

این مجموعه حقوقی شامل مقررات مدنی، تجاری و کیفری و بسیاری از مقررات از جمله حقوق و حقوق زن و شوهر، حقوق فرزند، شرایط فرزندخواندگی و همچنین مقررات کیفری در خصوص جرایم قتل و ضرب و جرح است که قابل مجازات است.

سابقه‌ی تقنینی مجازات قصاص در حقوق کیفری ایران:

برای آشنایی بیشتر و بهتر با احکام مربوط به قصاص در حقوق کیفری ایران، نیازمند اطلاعاتی در مورد روند قانونگذاری در خصوص این پدیده هستیم. بدین منظور مجازات انتقام جویی را در آیینہ تحولات تشریحی بررسی می‌کنیم. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ حقوق ایران محسوب می‌شود، در این بخش به ترتیب به دو قسمت قصاص در قوانین قبل از انقلاب اسلامی و قصاص در قوانین بعد از انقلاب اسلامی بررسی خواهیم کرد.

قصاص در قوانین قبل از انقلاب اسلامی

قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ اولین قانونی است که در این بخش بررسی می‌نماییم. فصل دوم از باب اول قانون مذکور اختصاص به انواع جرایم و مجازات‌ها داشت. در این فصل مواد ۷ تا ۴۱ به معرفی انواع مجازات‌ها پرداخته بودند. ماده ۷ مقرر داشته بود: «جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به ۴ نوع تقسیم می‌شود:

۱. جنایت ۲. جنحه مهم ۳. جنحه کوچک ۴. خلاف. ماده ۸ نیز اشعار داشته بود: «مجازات جنایت از قرار ذیل است: ۱. اعدام ۲. حبس موبد با اعمال شاقه ۳. حبس موقت با اعمال شاقه ۴. حبس

مجرد ۵. تبعید ۶. محرومیت از حقوق اجتماعی. در باب سوم از قانون مجازات عمومی تحت عنوان «در جنحه و جنایات نسبت به افراد» ماده ۱۷۰ در خصوص مجازات قتل عمدی اشعار داشته بود: مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانونا استثنا شده باشد. با توجه به صراحت متن قانون متوجه می‌شویم که در قانون فوق اثری از مجازات قصاص نفس در قتل عمد دیده نشده است زیرا با توجه به اینکه قوانین مصوب قبل از انقلاب منطبق با شرع مقدس اسلام، بحث مجازات قصاص نفس در این قواعد منتفی است. قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ بعد از مدتی با اصلاحیه روبه رو شد که نهایتا منجر به تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ شد. ماده ۸ این قانون مقرر داشته بود: «مجازات‌های اصلی جنایت به قرار زیر است: ۱. اعدام ۲. حبس دائم ۳. حبس جنایی درجه یک از سه سال تا پانزده سال ۴. حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال. همانطور که ملاحظه می‌شود این قانون نیز علیرغم اصلاحاتی که در قانون ۱۳۰۴ به وجود آورده بود نسبت به مجازات قصاص بی اعتنا بوده است لذا اثری از مجازات قصاص نفس در آن نیست.

قصاص در قوانین بعد از انقلاب اسلامی

قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۰ اولین قانونی است که در آن از مجازات قصاص نفس سخن گفته است. در واقع برای اولین بار در این قانون بود که مجازات قصاص به رسمیت شناخته شد و بدین صورت تعریف شد: قصاص مجازاتی است که شخص به آن محکوم می‌شود و باید برابر جرم او باشد. قصاص بر دو قسم است (قصاص نفس و عضو). این قانون از دو قسمت تشکیل شده است که قسمت اول آن در پنج فصل احکام مربوط به قصاص خود را بیان می‌کند و قسمت دوم به بیان شرایط و احکام مربوط به قصاص اعضا اختصاص دارد. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قوانین با الهام از احکام شرعی تغییر یافت و قوانینی مطابق با شرع و فقه شیعه جایگزین قوانین مصوب قبل از انقلاب شد. در واقع می‌توان گفت وظیفه ای که قانون اساسی برای قوه مقننه و شورای نگهبان مقرر کرده است دلیل چنین امری است. اصل چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل ناظر بر اجرای کلی کلیه اصول قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات و تشخیص آن بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

سومین قانون مصوب بعد از انقلاب اسلامی که مجازات قصاص را به عنوان یکی از انواع مجازات‌های اصلی به شمار آورده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌باشد. در این قانون نیز جایگاه قصاص نفس همانند قوانین مصوب بعد از انقلاب و قبل از این قانون به خوبی به رسمیت شناخته شده است. ماده ۱۲ این قانون در بیان انواع مجازات‌ها مقرر داشته است: «مجازات‌های مقرر در این قانون پنج قسم است: ۱. حدود ۲. قصاص ۳. دیات ۴. تعزیرات ۵.

مجازات‌های بازدارنده. به دنبال آن نیز ماده ۱۴ در تعریف قصاص بیان می‌دارد: «قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد». سیر تحولات در حوزه ی حقوق کیفری همچنان ادامه داشت تا اینکه نوبت به تصویب قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۴/۱/۱۳۹۱ رسید. با تصویب این قانون نیز کماکان شاهد وجود حکم قصاص در نظام حقوق کیفری ایران هستیم. ماده ۱۴ این قانون در تقسیم بندی مجازات‌های مقرر در آن بیان داشته است: «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: ۱. حد ۲. قصاص ۳. دیه ۴. تعزیر». ماده ۱۶ نیز که اختصاص به تعریف مجازات قصاص دارد با عبارتی متفاوت مقرر داشته است: «قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود».

پیشینه تحقیق

کتب:

قدسی (۱۳۹۳) موضوعات چالش‌های قانون مجازات اسلامی در حوزه حقوق جزای اختصاصی از جمله دایره شمول رابطه ابوت به عنوان یکی از موانع قصاص نفس را مورد بررسی قرار داده است. میرمحمد صادقی (۱۳۹۳)، کتابی تحت عنوان جرایم علیه اشخاص که شامل موضوعاتی از قبیل قتل عمدی و مجازات آن و چگونگی ثبوت حکم قصاص و موانع آن است، تحریر کرده است.

پایان نامه ها:

فرزام، محسن (۱۴۰۰). در پایان نامه‌ای تحت عنوان قصاص مراتبی در حقوق کیفری ایران بیان می‌دارد:

قصاص یکی از بدعت‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که طبق نظر برخی از فقها قانونگذار اجرای قصاص را در مراتب کمتر از جرم ارتكابی مجاز دانسته است. اما بسیاری از فقها به دلیل اصل تشابه در قصاص، اجرای قصاص مراتبی را نپذیرفته اند. با پرداختن به سطح قصاص در عضو، این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان در مورد خودکشی قصاص هم سطح را در نظر گرفت و به جای قصاص، پرداخت قصاص عضو قاتل و دریافت غرامت کافی است. با بررسی کلیات قصاص و نیز آراء و ادله فقها و اندیشمندان می‌توان گفت که قصاص در همه اقسام آن جایز است، اما جلب رضایت مجنی علیه در برخی از این اقسام ضروری است. همچنین قصاص در نفس با حصول رضایت نفس، مخالف مستقیم با روح شرع نیست و علی‌رغم اینکه فقها کمتر به این موضوع پرداخته اند و شارع به آن توجهی نکرده است، اما موضوع قابل بحث و بررسی است و در اصلاحات آتی قوانین قابل بحث است. یک جنایتکار از آن سوء استفاده کرد.

محمد خانی، امین (۱۳۹۷). در پایان نامه‌ای تحت عنوان صاحب حق قصاص در فقه و حقوق کیفری ایران بیان می‌دارد:

پژوهش حاضر با هدف بررسی صاحب حق قصاص در فقه و حقوق کیفری ایران انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای انجام شده است. در فقه امامیه دو

دیدگاه در این باره وجود دارد. در نگاه اول، ولی انتقام، کسی است که اعم از زن و شوهر و اقوام و اقوام بدون واسطه و حتی کسانی که از طریق پدر یا مادر با مقتول نسبت خویشاوندی دارند، فقط زن و شوهر علی (ع) را به ارث می‌برد. هر چند از اموال یکدیگر ارث می‌برند، اما حق قصاص ندارند، این دیدگاه در میان فقهای امامیه مشهور است. دیدگاه دوم، حق قصاص فقط برای اقارب پدری ذکور به وجود می‌آید و اقارب مادری اعم از زن یا مرد حق قصاص ندارند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اولیای دم جز همسر وی که حق قصاص ندارد، ورثه مقتول هستند. بنابراین هرکس در هنگام مرگ از قربانی ارث ببرد، حق قصاص دارد. این قاعده کلی یک استثنا دارد و آن زن یا شوهر مقتول است که اگرچه از مجنی علیه ارث می‌برد ولی جزء اولیای دم به حساب نمی‌آید. البته اگر حق قصاص به هر دلیلی تبدیل به مهریه یا مال یا حقی شود، زن مقتول نیز از آن ارث می‌برد. بنابراین اگر پدر و مادر از گرفتن پول خودداری کنند، زن و شوهر نیز از آن پول به ارث می‌برند.

اهداف تحقیق

اهداف آرمانی

بررسی موانع قصاص در حقوق کیفری ایران

اهداف ویژه

بررسی عدم ثبوت قصاص در مواردی که قاتل به مهدورالدم بودن مقتول اعتقاد دارد

بررسی عنصر معنوی و شرایط قصاص

بررسی رابطه ابوت در جهت سقوط قصاص

سؤالات تحقیق

سوال اصلی

موانع قصاص در حقوق کیفری ایران چیست؟

سوال‌های فرعی

موانع قصاص در حقوق کیفری ایران چیست؟

فرضیه های تحقیق

این تحقیق از طریق طرح سوال بررسی می‌شود و نیاز به ارائه فرضیه ندارد.

علل موجهه‌ی جرم

بنابر تعریف حقوقدانان، علل موجهه جرم، اسباب و عواملی هستند که در صورت وجود در حین ارتکاب جرم، عمل مجرمانه را به فعل مباح تبدیل کرده و وصف مجرمانه آن را حذف می‌کنند. جایز و معاف از مجازات است زیرا در حقوق جزای ایران در مورد فعل معاون، قاعده استعاره مجرمیت حاکم است و تا زمانی که فعل مباشر جرم نباشد، عمل او نیز جرم محسوب نمی‌شود.

امر آمر قانونی و حکم قانون

گاه‌ها اجازه ای که مقنن در راستای انجام عملی صادر می‌کند باعث می‌گردد که فاعل مسئولیت کیفری نداشته باشد. ماده ۱۷۹ ق.م.ا.مصادق از این مساله است که بیان می‌کند: «هرگاه ماموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را طبق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه بر عهده بیت‌المال است».

تادیب و حفاظت

اقدامات والدین و اولیای قانونی در راستای حفاظت از فرزندان و تربیت آنها گاه‌ها علیرغم مجرمانه بودن رفتارشان در حالت ظاهری واجد وصف کیفری نیست. بر اساس بند (ت) ماده ۴۱۱ ق.م.ا.ا اگر والدین طبق شرایط عرفی و بر اساس حدود شرعی فرزندان خود را تنبیه بدنی نمایند نمی‌توان عمل ارتكابی آنها را مجرمانه دانست زیرا این اعمال در جهت تادیب و به کمال رساندن آنها بوده و والدین از سر خیرخواهی و با نیت اصلاح رفتار فرزندان خود، دست به چنین اعمالی می‌زنند.

عملیات ورزشی

عملیات ورزشی یکی از مواردی است که قانون‌گذار اتفاقات حادثه در حین برگزاری آن را به شرط رعایت شروطی، واجد وصف کیفری نمی‌داند. بر اساس بند (ث) ماده ۱۵۸ اگر در حین انجام عملیات و مسابقات ورزشی حادثه ای رخ دهد که در حالت عادی جرم به حساب می‌آید، وصف کیفری نخواهد داشت به این شرط که علت و سببی که باعث وقوع حادثه شده است، در نتیجه نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و همچنین این مقررات مغایرتی با موازین شرعی نداشته باشند.

رضایت مجنی علیه

گاه اذن مجنی علیه موجب برکناری مجرم از مسئولیت کیفری می‌شود به طوری که تا زمانی که مجرم متهم و مجازات نشود، حتی تحقق جرم نیز تصور نمی‌شود. مثلاً وقتی شخصی با اعتماد به نفس خوب و رضایت کامل سوار ماشین شخصی می‌شود و راننده اقدام به انتقال او می‌کند، بحث جرم آدم ربایی منتفی است. همچنین هنگامی که شخصی به سلب مال خود رضایت دهد یا با علم و رضایت کامل اجازه فروش مال خود را به دیگری بدهد، جرایم سرقت و بیع غیر مال محقق نمی‌شود.

دفاع مشروع

دفاع مشروع مفهومی است که بر اساس آن می‌توان در برابر تهاجم غیرقانونی و غیرمجاز مقاومت کرد و از خود دفاع کرد. یکی از موضوعاتی که در نظام‌های حقوقی به عنوان حق طبیعی مطرح می‌شود، بحث دفاع مشروع است. یکی از فقها در این باره می‌گوید: «با مراجعه به تاریخ این امر معلوم می‌شود که انسان در مقابل عملی که ناحق و نامشروع تشخیص داده شده است تا حد امکان تسلیم نشده و در برابر چنین کاری دفاع می‌کند».

اضطرار

گاهی عوامل دست به دست هم می‌دهند تا مرتکب جرمی شوند بدون اینکه عامل آن نقش عمده ای در جرم داشته باشد. اگر جرم در شرایطی واقع شده باشد که مرتکب به نحوی به دلیل دفاع از جان یا مال خود یا شخص دیگری مجبور به ارتکاب جرم شده و تحت تأثیر عوامل خارجی و خارج از اراده خود عمل کرده باشد، نمی‌توان او را بازداشت کرد. مسئول وی را وادار به ارتکاب جرم کرده و از نظر قانونی، وضعیت فوق العاده به عنوان یکی از عوامل تخفیف مسئولیت کیفری شناخته می‌شود.

علل رافع مسئولیت کیفری

با توجه به آموزه‌های حقوق جزا و مبانی مسئولیت کیفری، مجموعه ای از عوامل به عنوان عوامل کاهش دهنده مسئولیت کیفری شناخته می‌شوند. برخی از این عوامل مسئولیت کیفری را کاملاً از بین می‌برد و از سوی دیگر برخی از آنها تا حدی مسئولیت را از بین می‌برد و نوعی مسئولیت نسبی ایجاد می‌کند که گاه بر عهده خود شخص و گاه افراد دیگر است.

جنون

بر اساس آموزه‌های حقوق کیفری و مقررات و قوانین کیفری مخصوصاً ق.م.ا جنون به عنوان یکی از عوامل تام رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است. مقنن در ماده ۱۴۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ هرگونه اختلال روانی در شخص مرتکب را که سبب فقدان اراده یا قوه تمییز در او باشد، جنون به حساب آورده و از مسئولیت کیفری مبرا دانسته است.

صغر

برای اینکه شخص در قبال اعمال مجرمانه ی خویش مسئول قلمداد شود باید از لحاظ کیفری مسئولیت داشته باشد و به عبارتی قابلیت مورد بازخواست واقع شدن را دارا باشد. یکی از عواملی که سبب ایجاد مسئولیت کیفری می‌شود بلوغ می‌باشد. لذا شخصی که به بلوغ نرسیده است مسئولیت کیفری نخواهد داشت. ماده ۱۴۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ برای مسئولیت کیفری افراد بالغ بودن او حین ارتکاب جرم را شرط دانسته و ماده ۴۱۶ قانون مذکور مقرر داشته است: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند». ماده ۱۴۷ قانون مذکور نیز به منظور آشنایی با افراد نابالغ سن بلوغ را مشخص کرده است، بدین صورت که: «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است».

اجبار

سومین عاملی که مانع مسئولیت کیفری افراد می‌شود اجبار است. افراد باید هنگام ارتکاب جرم، مختار و آزاد باشند و به عبارتی در کمال اختیار و بدون هیچ گونه اجبار و اکراهی عمل مجرمانه را انجام داده باشند. ماده ۱۴۰ ق.م.ا موید این مطلب است.

مستی

مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر اگرچه باعث از بین رفتن تعادل روانی می‌شود، اما در ابتدا باعث از بین رفتن مسئولیت کیفری افراد نمی‌شود. مستی و عدم تعادل روانی می‌تواند راهی برای فرار از مجازات باشد که منجر به از دست دادن اراده شود.

خواب و بیهوشی

شخصی که در خواب و در حالت بیهوشی مرتکب جرمی غیر از قتل شود، مسئولیت کیفری ندارد، اما اگر این شخص در چنین حالتی مرتکب جرایمی مانند قتل شود، این قتل موجب مجازات قصاص نفس نمی‌شود.

اشتباه

اشتباه در لغت به معنای مانند شدن چیزی به چیز دیگر، یکی را به جای دیگری گرفتن، کاری به غلط انجام دادن و پوشیده شدن کار و مانند آن آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۳۱). اشتباه در حقوق کیفری به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت به شمار می‌رود. اشتباه مرتکب حین ارتکاب رفتار مجرمانه گاهی سبب عدم احراز سوتنیت و عنصر معنوی و گاهی باعث عدم تحقق عنصر مادی جرم می‌شود.

شرایط عمومی ثبوت قصاص

از نظر مشهور فقها، شرایط عمومی ثبوت قصاص، همانطور که قبلاً ذکر شد، عبارت است از عدم رابطه ابوت با مساوات در دین و تساوی در عقل در ادامه به ترتیب به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

فقدان رابطه ابوت

رابطه پدر و پسر بین دو نفر دارای آثار حقوقی است که از جمله آنها می‌توان به وظیفه پدر در پرداخت نفقه، ارث بردن فرزند از پدر و معافیت پدر از قصاص در صورت قتل عمدی فرزندش اشاره کرد. همانطور که قبلاً اشاره کردیم یکی از شروط عمومی برای اثبات قصاص نفس بین قاتل و مقتول است. یعنی پدر در صورت قتل عمدی فرزندش محکوم به قصاص نیست. برای درک فلسفه حقوقی این حکم، باید دلایل حکم و مبانی نظری آن را بررسی کنیم. لازم به ذکر است که احکام جزایی در حقوق ایران به ویژه احکام مربوط به قصاص برگرفته از آموزه‌های فقه شیعه بوده است.

مجازات پدر در صورت قتل فرزند

مجازات پدری که قتل عمدی فرزندش را انجام داده است یکی از موضوعاتی است که جای بحث دارد. به دلیل رابطه ابوت، پدر از قصاص آزاد می‌شود که مجازات اولیه قتل عمد و حق والدین است، اما باید دید چه مجازاتی به عنوان مجازات ثانویه در انتظار پدر خواهد بود. زیرا قتل عمدی اگرچه حق شخصی را به نفع والدین اثبات می‌کند، اما ذاتاً عملی خلاف نظم عمومی جامعه بوده و

جرم نابخشودنی محسوب می‌شود. ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که اصل جرایم غیرقابل گذشت را تعیین کرده است مؤید این موضوع است.

عدم تساوی در عقل

یکی از شرایطی که سبب ثبوت حکم قصاص نفس در حق قاتل می‌گردد این است که مقتولی که به قتل رسیده است از قوه ی عقل برخوردار بوده و از لحاظ امتیاز عقل با قاتل برابر و مساوی باشد. این شرط زمانی باید وجود و عدمش مورد بررسی قرار گیرد که قاتل نیز عاقل بوده و به اصطلاح حقوقی مسئولیت کیفری داشته باشد. زیرا به حکم صریح ماده ۱۴۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ یکی از موارد اساسی برای مسئولیت کیفری مرتکب جرم، برخورداری او از قوه عقل و به عبارتی عاقل بودن اوست.

موانع انحصاری در قتل عمدی جهت ثبوت قصاص نفس

قانون مجازات ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۲ و در تکمیل مقررات قبل از آن، وجود شرایطی در مجنی علیه (مقتول) و جانی (قاتل) در زمان ارتکاب جرم را مانعی بر سر راه صدور حکم قصاص در حق جانی (قاتل) قرار داده است که به ترتیب آنها را بررسی خواهیم نمود. این شرایط عبارتند از:

۱. ارتکاب جرم حدی مستوجب سلب حیات توسط مقتول
۲. مستحق قصاص نفس بودن مقتول نسبت به قاتل
۳. متجاوز بودن مقتول (دفاع مشروع)
۴. ارتکاب زنا توسط مقتول با زوجه قاتل (قتل در فراش)
۵. اعتقاد قاتل به مهدورالدم بودن مقتول
۶. علل رافع مسئولیت کیفری

نتیجه گیری

بر اساس منابع فقهی، مجازات قصاص قصاص در قتل عمد به عنوان مجازات اولیه در قالب حق قصاص و به عنوان یک حق مستقل برای والدین شناخته شده است. با توجه به اینکه طبق قانون اساسی کلیه قوانین جاری کشور باید مطابق موازین شرعی باشد، بر این اساس قانونگذار مجازات قصاص نفس را برای جرم قتل عمد تعیین کرده است. برای اثبات مجازات قصاص نفس برای فردی که عمداً مرتکب قتل و جان باختن انسان دیگری می‌شود، داشتن شرایطی ضروری است. یکی از شروطی که به اتفاق فقها برای اثبات قصاص لازم و ضروری است، عدم رابطه جانی با مجنی علیه است. در مورد مفهوم و مصادیق شرط مذکور، هم در بین فقها و هم در بین فقها اختلاف نظر وجود داشته است و این موضوع محل تعارض است. یکی از موارد بحث برانگیز، حدود حکم معافیت پدر از قصاص است و مواردی مانند قتل ولدالزانه توسط زن قابل بحث و مناقشه است. با بررسی‌ها و بررسی منابع فقهی و تحلیل حکمت قوانین موجود، به نظر می‌رسد که پدر طبیعی طفل در صورت قتل او نمی‌تواند این شرط را مانع اثبات قصاص نفس کند.

موانع اجرای قصاص در حقوق ایران موانعی هستند که با وجود ثبوت قصاص و غیر قابل خطا بودن آن مانع اجرای آن می‌شوند و با وجود آنها قصاص مرتکب برای همیشه ساقط می‌شود یا برای مدت معین یا مجهول به تأخیر می‌افتد. زمان این موانع دو دسته هستند. مقوله ای مانند باردار بودن جانی و لزوم پرداخت فاضل دیه به مرتکب از سوی اولیای دم فقط اجرای قصاص را موقتاً متوقف می‌کند که در این صورت صاحب حق قصاص چاره ای جز رهایی از جان ندارد. یا تا زمانی که مانع برداشته شود. صبر کن و سپس قصاص را انجام ده. اما دسته دیگری از موانع اجرای انتقام، موانعی هستند که امکان اجرای انتقام را برای همیشه یا برای مدت نامعلومی منتفی می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به مرگ فرد یا فرار و عدم دسترسی به وی اشاره کرد. در این فرض، قانونگذار با پیروی از نظر برخی از فقها، به صاحب حق قصاص اجازه داده است که دیه بگیرد؛ بدون آنکه در مواردی که امکان بعدی اجرای قصاص فراهم شود، حق قصاص را ساقط بداند که در فرض اخیر چنانچه صاحب حق از حق خود گذشت نکرده باشد، می‌تواند با اعاده دیه، اجرای قصاص را خواستار شود. مانند حالتی که پس از فرار جانی و برداشت دیه از اموال او، مرتکب دستگیر گردد. تنها استثنای این امر در میان موانع با مدت نامعلوم، حالتی است که با وجود صدور حکم به قصاص، اجرای آن مستلزم پرداخت دیه به «برخی از اولیای دم» باشد، مانند آنکه برخی از اولیای دم مرتکب را عفو و برخی دیگر درخواست دیه کنند که اولیای دم خواهان قصاص، نخست سهم دیه عفوکنندگان را به جانی و سهم دیه باقی اولیای دم را به آنها داده و سپس مبادرت به اجرای قصاص خواهند کرد.

نتیجه آنکه همسو با قانونگذار که در مواد ۴۵۰ و ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، بین موارد عدم جواز قصاص با عدم امکان آن تفاوت قائل شده است، در هر مورد که اجرای قصاص به مدت نامعلوم ممکن نباشد، صاحب حق قصاص با حفظ حق خود، مجاز به مطالبه دیه خواهد بود. بنابراین، اگر یکی از دوقلوهای به هم چسبیده مرتکب قتل عمدی مستوجب قصاص شود، هرچند جهت پرهیز از ضرر به فرد دیگر، قصاص قابل اجرا نبوده و صاحب حق، می‌تواند مطالبه دیه کند، اما اگر دوقلوهای مذکور پس از مدتی از هم جدا شوند، حق قصاص همچنان جاری است. چنین چیزی تفاوت بین موانع اجرای انتقام و عوامل سقوط آن را به خوبی نشان می‌دهد. انجام قصاص در اسباب قصاص جایز نیست و اگر صاحب حق قصاص پس از قصاص به شخصی آسیب برساند مرتکب جرمی شده است که در صورت وجود شرایط دیگر مستوجب قصاص است. در مقابل موانع اجرای قصاص که با وجود جواز اجرای قصاص، امکان اجرای آن وجود ندارد و لذا هرگاه چنین امکانی فراهم شود، جواز آن به قوت خود باقی است. بر این اساس فوت انسان از موارد قصاص نیست، بلکه یکی از موانع همیشگی اجرای آن است. زیرا اگر چه اعدام قص در فوت انسان برای همیشه منتفی است، اما از نظر تحلیلی، اگرچه اعدام قص جایز است، اما امکان اجرای آن وجود ندارد؛ در مقابل دلایل سقوط قصص که موجب جواز نبودن اعدام قصص می‌شود. به عبارت دیگر، فقط امور اعتباری (مانند درگذشت پدر و مادر) موجب سقوط قصص می‌شود و مرگ یکی از امور

واقعی است که قصص را محال می‌کند. همانطور که فقدان عضوی در بدن قربانی (مثل نابینایی او پس از کور کردن قربانی)، انجام انتقام را غیرممکن خواهد کرد.

پیشنهادات

آنچه از فلسفه اجرای هر مجازاتی استنباط می‌شود این است که دردناک بودن مجازات بخشی از آن است. بنابراین شخص مجنون یا مست از درد ناشی از اجرای مجازات‌ها ادراک ندارد و افراد حاضر در صحنه نیز باید فریاد محکوم را تماشا کنند تا تصویری ناپسند و بازدارنده در ذهن آنها نقش بسته و مانع از ارتکاب آنها شود. یک جرم. به علاوه در چنین شرایطی فرد قدرت تصمیم‌گیری برای فرار از گودال را ندارد.

با توجه به هیاهوی جهانی علیه امت اسلامی و افزایش مخالفت‌ها و مخالفت‌های آنان با امت اسلام به ویژه ایران، به نظر می‌رسد اجرای این گونه احکام موقتاً به تعویق بیفتد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار با توجه به آراء و فتاوی جدید فقهای معاصر و نیز آرای منطبق با موازین بین‌المللی و نشان از پویایی فقه شیعه در احکام منعطف شرعی تجدید نظر کند. در نهایت به علاقه‌مندان به مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مرتبط با پژوهش حاضر نیز پیشنهاد می‌شود.

در مورد موضوعات زیر مطالعه و تحقیق کنید:

۱. بررسی موانع اجرای قصاص نفس پس از صدور و قطعی شدن حکم.
۲. بررسی ماهیت و فلسفه حق قصاص و حدود اختیارات والدین.
۳. بررسی قتل در بستر با رویکرد نظریه‌های جرم‌شناسی.

منابع و مراجع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) آقایی، محمدعلی، (۱۳۸۰). آیات الاحکام حقوقی، تهران
- ۳) اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، جلد اول، چاپ دوم.
- ۴) پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۰). ترجمه نهج الفصاحه مجموع کلمات قصار حضرت رسول (ص)، نشر دنیای دانش، تهران، جلد اول.
- ۵) جمعی از محققین (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، جلد اول، چاپ اول.
- ۶) جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ بیست و دوم.
- ۷) خالقی، علی، (۱۳۹۹). آیین دادرسی کیفری، تهران
- ۸) دشتی، محمد (۱۳۹۴). ترجمه نهج البالغه، انتشارات ظهور، قم.
- ۹) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، جلد یازدهم، چاپ اول.
- ۱۰) روحانی سید محمد صادق، (۱۳۷۸). استفتائات قضائیه، سپهر، تهران.
- ۱۱) زراعت، عباس (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
- ۱۲) سلیمانی، حسین (۱۳۸۴). عدالت کیفری در آیین یهود، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، چاپ دوم.
- ۱۳) سعیدی پور، سعید، (۱۳۷۰). فرهنگ خرد، تهران
- ۱۴) سیاح، احمد (۱۳۸۷). فرهنگ جامع نوین سیاح، نشر اسلام، تهران، جلد دوم.
- ۱۵) شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۲، تهران.
- ۱۶) شمس، عبدالله، (۱۳۹۹). ادله اثبات دعوی، تهران
- ۱۷) شیرازی، مکارم، (۱۳۸۱). استفتائات جدید، جلد ۲، قم: مدرسه امیرالمؤمنین (ع).
- ۱۸) عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، نشر راه رشد، تهران، چاپ اول.
- ۱۹) قدسی، سید ابراهیم (۱۳۹۳). موضوعات چالشی در حقوق جزای اختصاصی، انتشارات موسسه گام حق، جلد اول، چاپ اول
- ۲۰) معین، محمد (۱۳۸۱). لغت نامه معین، انتشارات معین، تهران، چاپ اول.
- ۲۱) معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، انتشارات آدنا، تهران، جلد دوم، چاپ چهارم.
- ۲۲) میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، جلد اول، چاپ دوازدهم
- ۲۳) نوربها، رضا (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ بیست و یکم
- ۲۴) اردبیلی (محقق اردبیلی)، المولی الحمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الذهان، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، جلد چهاردهم.
- ۲۵) بحرانی، حسین بن محمد آل عصفور، (۱۴۱۰). عیون الحقائق الناظره فی تتمه الحدائق الناظره، جلد ۱، نشر اسلامی.
- ۲۶) بهوتی حنبلی، منصور بن یونس، کشف القناع، جلد ۶، دارالکتب العلمیه، بیروت. - جبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۶). مسالک الأفهام، جلد ۱۴، موسسه المعارف الاسلامیه.

- ۲۷) حرعاملی، شایخ محمدبن حسن (۱۴۱۳). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، نشر موسسه آل البیت، قم، الف جلد بیست و هشتم
- ۲۸) حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق)، (۱۴۱۳). المختصرالنافع، موسسه البعثة.
- ۲۹) حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق)، (۱۴۲۱). شرایعالاسلام، ق ۳، جامعه الطهران.
- ۳۰) حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳). قواعد الاحکام، جلد ۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۳۱) خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). مبانی تکمله المنهاج، نشر موسسه احیاء آثار امام خویی، جلد دوم.
- ۳۲) طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان ترجمه محمدباقر موساوی همدانی، دفتر نشر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، الف جلد اول.
- ۳۳) طبسی، نجم الدین، (۱۴۱۶). النفی و التغریب فی مصادر التشریع الاسلامی، موسسه الهادی قم.
- ۳۴) طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۴۱۱۷ق). الخالف فی الفقه، نشر موسسه نشر اسالمی، قم، جلد پنجم
- ۳۵) عاملی، حر، (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، جلد ۱ و ۲، آل البیت، قم.
- ۳۶) موسوی خمینی، سیدروح الله، (۱۴۰۸). تحریرالوسیله، جلد ۲، قم.
- ۳۷) هندی، فاضل، (۱۴۲۴). کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۸) ابوالحسنی، رحیم، (۱۳۸۰). اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه حقوق اسلام، مجله رواق اندیشه، شماره ۶.
- ۳۹) ابوی مهریزی، حسین، (۱۳۸۱). حکم انکار بعد از اقرار در فقه و حقوق اسلامی، مجله دانشکده - الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، شماره ۵۷.
- ۴۰) شاکری گلپایگانی، (۱۳۸۲). طوبی، اسلام، حق حیات، کدام قاعده، مجله ندای صادق، شماره ۳۰.
- ۴۱) شمس، محمدابراهیم، (۱۳۷۶). فلسفه مجازاتها حدی، مجله نقد و نظر، شماره ۱۲
- ۴۲) فتحی، حجت الله، (۱۳۸۱). بررسی فقهی و حقوقی اجرای علنی حدود و گستره آن، مجله رواق اندیشه، شماره ۸.
- ۴۳) قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۰). اجرای مجازات، آشکار یا نهان، مجله نامه مفید، شماره ۳.
- ۴۴) قیاسی، جلال الدین، (۱۳۷۹). پیوستن علم قاضی به بینه یا اقرار، مجله فقهی کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۲۳.
- ۴۵) کاظمی الموتی، نورمحمد، (۱۳۷۹). تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مجازات در حقوق کیفری اسلام، فصلنامه دانشگاه مفید، شماره ۲۳.
- ۴۶) کدیور، جمیله، (۱۳۷۷). مقاله اجرای رجم در زمان غیبت معصوم (ع)، فصلنامه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد بابل، شماره ۱۵.
- ۴۷) محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۸). حدود در زمان ما: اجراء یا تعطیل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره های ۲۵ و ۲۶
- ۴۸) محقق داماد، مصطفی، سادات حسینی، (۱۳۸۰). چشم اندازی بر حدود و اجرای علنی آن، مجله الهیات و حقوق دانشگاه تهران، شماره ۲.
- ۴۹) محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۶). مجازات عمل منافی عفت در قرآن، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳.
- ۵۰) نوبهار، رحیم، (۱۳۷۹). اهداف مجازاتها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام، مجله نامه مفید، شماره ۲۳